irannewspaper.ir

شنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۵ • سال سی‌و دوم • شماره ۹۰۲۶

• اذان ظهر ۱۲/۰۱ • اذان مغرب ۱۹/۲۳ • نیمه شب شرعی ۲۳/۱۱ • اذان صبح فردا ۰۳/۱۹ • طلوع آفتاب فردا ۰۴/۵۸

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

ایران

• صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر مسئول: صادق حسین جابری انصاری

• سردبیر: هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران

• رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری

• مدیرعامل: علی متقیان

• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰

• پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵

• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های همشهری و مؤسسه جام جم

• سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT

• پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

سخن روز

امام علی (ع):

خردهای دانشمندان، در نوک قلم‌هایشان است.

غرر الحکم: ح۶۳۳۹

نقل قول

مردم ترکیه پس از جنگ به زبان فارسی علاقه‌مند شده‌اند

تفاهمنامه‌ای بین ما و یکی از دانشگاه‌های قبرس منعقد شد و توانستیم در آنجا با آنکه نماینده رسمی بنیاد سعدی حضور ندارد، راه را برای برگزاری دوره‌های زبان فارسی باز کنیم. شرایط جنگ تحمیلی اخیر در حوزه آموزش زبان فارسی بی‌تأثیر نبوده است، برخی از اتفاقات گرچه به همراه خود سختی‌هایی در داخل کشور دارد ولی در خارج از کشور منجر به این می‌شود که توجه‌ها به این فرهنگ و کشور زیاد شود. ما در ایام جنگ رمضان خیلی‌ها را می‌دیدیم و یا مراجعه می‌کردند و اظهار علاقه داشتند که با زبان فارسی آشنا شوند تا از این طریق فرهنگ ایرانی را بشناسند. خیلی‌ها مراجعه می‌کردند و پیام می‌دادند که چگونه می‌توانیم زبان فارسی را یاد بگیریم. هم در حوزه زبان و هم در حوزه فرهنگ و حتی در حوزه دین هم بازخوردهایی داشتیم و فضای عمومی کشورهای پیرامون و یا برخی از کشورهای جهان متأثر از این جنگ علاقه‌مند است تا بتواند با ایران، زبان فارسی و فرهنگ ایرانی آشنا شود.

گفت‌وگوی سیدقاسم ناظمی، رایزن فرهنگی ایران در ترکیه و نماینده بنیاد سعدی با ایسنا

دیدار با «حسین محجوبی» در باغ موزه نگارستان

مراسم بزرگداشت و دیدار با حسین محجوبی، هنرمند شناخته‌شده هنرهای تجسمی ایران، به مناسبت نود و ششمین سالروز تولد او، دیروز (جمعه، ۲۵ اردیبهشت ماه) در باغ موزه نگارستان دانشگاه تهران برگزار شد. مؤسسه آینه‌دار دوران، نگارخانه آشیان نقش و مهر و خانه هنرمندان ایران، این رویداد را با هدف تجلیل از جایگاه این هنرمند تأثیرگذار در تاریخ هنر معاصر ایران برگزار کردند. حسین محجوبی، معمار، طراح بوستان و نقاش نوگرای ایران و از چهره‌های بین‌المللی هنر نقاشی است. /ایران

«بهناز نازی» در خواب مصنوعی

حمیدرضا نعیمی، بازیگر و کارگردان تئاتر و سینما گفت: «بهناز نازی بازیگر نقش «ننه آشوب» در سریال «جیران» در چند سال اخیر با بیماری می‌جنگید و هر چند وقت یک بار آن را شکست می‌داد و شرایط بهتری پیدا می‌کرد.» وی افزود: «حتی در یکی از دوره‌های شیمی‌درمانی، با وجود بیماری، ما یک نمایش بسیار دشوار را در سالن اصلی تئاتر شهر اجرا کردیم. او در آن نمایش نقش مهمی را بازی می‌کرد. این بازیگر حدود یک هفته است که در کما است و همه ما را نگران کرده است. امیدوارم هرچه زودتر بهبود پیدا کند.» /مهر

حسن روح‌الامینی در نقش میان میدان

نخستین رویداد هنری زنده در تجمعات مردمی با عنوان «نقش میان میدان» و با خلق اثر توسط «حسن روح‌الامین» پنجشنبه شب در میدان تجریش برگزار شد. «نقش میان میدان» لحظه تولد یک اثر هنری را در بین مردم و میانه میدان به تصویر می‌کشد تا یادآور این حقیقت باشد که هنر اصیل، از متن جامعه می‌آید و دوباره به همان مردم بازمی‌گردد. در انتهای این رویداد، مردم که در میدان تجریش حضور داشتند از اثر خلق شده توسط حسن روح‌الامین بازدید کردند. /ایلنا

بازخوانی اولین نمایش فیلم «داستان‌های موازی» اصغر فرهادی در جشنواره کن

تولد خلاقیت از دل آشفتگی

گزارش

گروه فرهنگی/ حضور دهمین فیلم اصغر فرهادی به نام «داستان‌های موازی» در هفتاد و نهمین دوره جشنواره کن، بار دیگر نام ایران و سینمای ایران را در کانون توجه جهانی قرار داد. نام اصغر فرهادی حالا یک برند معتبر سینمایی است که هر اثرش می‌تواند توجه مخاطبان جهانی سینما را جلب کند و این یک سرمایه فرهنگی بزرگ برای فرهنگ و هنر ایرانی است. فرش قرمز «داستان‌های موازی» پیش از اولین نمایش جهانی فیلم با حضور ستاره‌های سینمای فرانسه برگزار شد. ایزابل هوپر و کاترین دنگ در کنار دیگر ستاره‌های سینمای فرانسه از جمله ونسان کسل، ویرژینی افیرا، آدام بسا در این مراسم حضور داشتند. فیلم جدید اصغر فرهادی در اولین نمایش جهانی خود از ساعت ۲۰:۳۰ در سالن لومیر کاخ جشنواره به نمایش گذاشته شد که با مدت زمان ۲ ساعت و ۲۰ دقیقه همزمان با رونمایی در جشنواره کن در تاریخ ۱۴ مه، اکران خود را در سینماهای فرانسه نیز آغاز کرد. این فیلم یکی از آثار بخش مسابقه اصلی جشنواره کن است و بر اساس قوانین این جشنواره همه آثار بخش مسابقه اصلی باید در سینماهای فرانسه اکران تجاری شوند.

واکنش‌های متفاوت به فیلم فرهادی

دهمین فیلم فرهادی که سومین فیلم او بعد از «گذشته» و «همه می‌دانند» است، خارج از جغرافیای ایران ساخته شده و همچون آثار قبلی او با واکنش‌های متفاوتی از سوی مخاطبان و منتقدان همراه شد. برخی آن را نوعی ساختار شکنی و تجربه تازه در درون جهان سینمایی فرهادی دانستند و جسارت او در خلاقیت نو را تحسین کردند و برخی هم این تجربه را به آشفتگی درام تعبیر کرده‌اند. در ادامه به برخی از مهم‌ترین این واکنش‌ها می‌پردازیم.

داستانی درباره خلاقیت و تخیل

دیوید هاموند از نشریه دددلاین درباره فیلم جدید فرهادی در جشنواره کن نوشت: «اصغر فرهادی کارگردان بزرگ ایرانی، برای پنجمین بار با فیلمی که در اولین نمایش خود در پنج سال اخیر ساخته شد و بدون شک جزو بهترین کارهایش به شمار می‌رود، به رقابت کن بازمی‌گردد. این یک سطح بالا و دشوار است؛ زیرا دو تا از فیلم‌های او «جدایی نادر از سیمین» (۲۰۱۱) و «فروشنده» (۲۰۱۶)، هر دو برنده جایزه اسکار بهترین فیلم بین‌المللی شده‌اند. آخرین فیلم او «قهرمان» (۲۰۲۱) نیز جایزه بزرگ هیأت داوران کن را از آن خود کرد.»

به گفته هاموند: «فرهادی با بازگشت با فیلم گیرا و بازآفرینی شده و هوشمندانه «داستان‌های موازی» و دوباره کار کردن در خارج از کشورش، یک فیلم فرانسوی ساخته است که به طرز ماهرانه‌ای سرگرم‌کننده است؛ داستانی پیچ‌درپیچ و هوشمندانه که به شکلی آزادانه از مجموعه ۱۰ قسمتی «دکالوگ» (ده فرمان) ساخته «کریستوف کیشلوفسکی» کارگردان فقید لهستانی الهام گرفته شده است. او که نمی‌خواست به هر ۱۰ قسمت بپردازد، قسمت ششم (که بعدها به فیلم کوتاهی درباره عشق شناخته شد) را برای الهام گرفتن به منظور ساخت یک فیلم سینمایی بلند انتخاب کرد و ایده اصلی آن را از یک مرد عاشق پیشه که زن همسایه را در آپارتمان روبه‌روی خیابان جاسوسی می‌کند، گرفت.

اما آنچه فرهادی، که فیلمنامه را با برادرش سعید نوشته، به دست آورده است، استفاده از ایده جاسوسی و قراردادن آن در بستری کاملاً جدید و نسبتاً پیچیده است؛ یک رمان‌نویس به نام سیلوی (با بازی ایزابل هوپر)، از تلسکوپ خود برای نگاه کردن به آپارتمانی با سه نفر در آن سوی خیابان پاریس استفاده می‌کند، در حالی که خانه خودش به هم ریخته و پر از موش است و انبوهی از کتاب و نوشته در هر گوشه آن انباشته شده است. برخلاف نسخه کیشلوفسکی، اما این یک داستان عاشقانه نیست، بلکه داستانی درباره خلاقیت و تخیل است. اگرچه همه اینها به وضوح از داستانی که کیشلوفسکی و همکارش کریستوف پیسوویچ برای «ده فرمان» خلق کردند الهام گرفته شده است، اما اگر کسی به من بگوید اینطور نیست، کاملاً باور می‌کردم. همه چیز در این فیلم، به خصوص بخش جاسوسی، کاملاً هیچکاکی به نظر می‌رسد. هر کسی که «پنجره عقبی» هیچکاک را دیده باشد، احتمالاً موافق است که ساختار آن فیلم اینجا نیز دیده می‌شود و شاید چون این فیلم بسیار فرانسوی است، کمی هم کلود شابرول به آن اضافه شده است. با آن بخش‌های تخیلی، حتی کمی از فیلم، حس و حال فیلم «پاریس در تب و تاب» (۱۹۶۴) هم دارد؛ جایی که آدری هپبورن به فیلمنامه‌نویسی با بازی ویلیام هولدن کمک می‌کند تا صحنه‌ها را همان‌طور که می‌نویسد، اجرا کند. با این حال، آنچه فرهادی به طرز درخشانی پخته، در نهایت کاملاً بدیع و در هر سطحی لذیذ ساخته شده است. این یکی از آن داستان‌های استثنایی با شخصیت‌های عالی است که شما را از همان ابتدا می‌گیرد و یک لحظه رهایتان نمی‌کند. حتی در موقعیت دشواری مثل این فیلم، یک قدم اشتباه وجود ندارد، چیزی که در مورد بیشتر فیلم‌هایی که تا قبل از کن و در اینجا دیده‌ام، صدق نمی‌کند. این فیلم احتمالاً از نظر سبک و مهارتِ محض فیلم‌سازی، بهترین کار فرهادی باشد و برای من مسلماً بهترین کار او پس از «جدایی نادر از سیمین» است. «داستان‌های موازی» فیلمی ماندگار است، داستان‌هایی که به خوبی روایت شده‌اند.»

حضور دهمین فیلم اصغر فرهادی به نام «داستان‌های موازی» در هفتاد و نهمین دوره جشنواره کن، بار دیگر نام ایران و سینمای ایران را در کانون توجه جهانی قرار داد

درام سرگرم‌کننده و نسبتاً معمولی

پیتر بردشاو، منتقد ارشد گاردین هم با اعطای ۳ ستاره از ۵ ستاره درباره فیلم «داستان‌های موازی» نوشت: «اصغر فرهادی، کارگردان و نویسنده ایرانی، با یک درام متوسط و جذاب درباره فراداستان که در آن کاترین دنو نقشی کوتاه دارد، به فرانسه بازگشته است. فرهادی کارگردان روشنفکر ایرانی است که سبک فیلمسازی‌اش همواره تأثیرات بالای اروپایی آنتونیونی و هانکه را نشان داده است. او در واقع دو فیلم در اروپا ساخته است؛ «گذشته» در فرانسه و «همه می‌دانند» در اسپانیا.»

به گفته بردشاو: «حالا او با این درام سرگرم‌کننده و نسبتاً معمولی درباره فراداستان، خیانت و پیوند ادعایی بین تماشاگری پنهانی و خلاقیت، به فرانسه و زبان فرانسوی بازمی‌گردد. آیا نویسندگان، شخصیت‌هایی را که خلق کرده‌اند، جاسوسی می‌کنند؟

این فیلم، یک برداشت آزاد بر مضمون فیلم «درباره عشق» ساخته کیشلوفسکی است، با پیچ و تاب‌هایی از «پنجره عقبی» هیچکاک و نتیجه، فیلمی پیچیده و مفصل، هرچند تا حدی مبهم است.»

منتقد گاردین در ادامه می‌نویسد: «این فیلم زمان می‌برد تا به نقطه دراماتیک پرتنش خود برسد و این پرسش برایم پیش می‌آید که آیا طولانی بودن فیلم به این دلیل است که فرهادی به دنبال چیزی بیش از هیجان‌های ژرژ سیمنونی (نویسنده بلژیکی) و مفهومی صرف بوده است. اما فیلم جذاب است و بازی‌ها با باورپذیری انجام شده‌اند و آن افکت‌های صوتی جای تأمل دارند؛ دوبله‌های ساختگی که برای خلق واقعیت ضروری هستند.»

برش

نیاز مبرمی به بازگشت به خانه و بودن با خانواده‌ام دارم

اصغر فرهادی، در حاشیه جشنواره فیلم کن و در گفت‌وگو با یک خبرنگار فرانسوی از احساس نیاز مبرم برای بازگشت به ایران صحبت کرد. او درباره اینکه چگونه می‌توانید وقتی کشور مادریتان، ایران، درگیر جنگ است کار کنید و چطور می‌توانید آرامش لازم و کافی برای خلق کردن را پیدا کنید، گفت: «من برای کار به خارج می‌روم، اما به محض اینکه کارم تمام می‌شود، احساس می‌کنم که نیاز مبرمی به بازگشت به خانه و بودن با خانواده‌ام در کشورم دارم.»

فرهادی در مورد نیاز به آرامش برای ساخت فیلم هایش گفت: «فکر نمی‌کنم آرامش، لازم یا پیش‌نیاز خلق کردن باشد. برعکس، احساس می‌کنم که خلاقیت از یک حالت آشفتگی، یک حالت اضطراب، یک آشفتگی سرچشمه می‌گیرد.»

او با توضیح اینکه از این احساس اضطراب خوشحال نیست، گفت: «این لزوماً چیز خوبی نیست، من از آن خوشحال نیستم، اما این احساس نیاز به نوشتن در مورد تمام آشفتگی‌هایی است که شما را احاطه کرده است، تمام رنج‌هایی که شما را به سمت خلق کردن، تلاش برای مشارکت در تلاش برای بهبود جهان سوق می‌دهد.»

اصغر فرهادی همچنین افزود: «خیلی خوشحالم که در کنار این تیم دوست داشتنی این فیلم را دیدیم. کار کردن با این تیم مثل یک هدیه کامل بود. یک اتفاقی امروز افتاد. اولین کسی که این پروژه را پیشنهاد داد و من درباره آن فکر کردم یک نویسنده لهستانی به نام کریستوف پیسوویچ بود که خیلی از فیلم‌های کیشلوفسکی را با او کار کرده بود. او در اولین صحبت که سعی کرد من را برای ساخت این فیلم تشویق کند به من گفت: «من دوست دارم که تو این فیلم را بسازی و من آن را ببینم. اما درست پیش از فرش قرمز، خبر رسید که کریستوف فوت کرده و فکر می‌کنم باید اکران امشب را تقدیم کنیم به این نویسنده بزرگ تاریخ سینما.»

نگاهی به حضور سینمای ایران در جشنواره کن؛ از «گاو» تا «داستان‌های موازی»

شش دهه روی فرش کن

یادداشت

علی نعیمی

منتقد سینما

در تاریخ سینمای جهان، کمتر کشوری خارج از مدار سینمای صنعتی غرب توانسته حضوری مداوم، اثرگذار و هویت‌ساز در جشنواره فیلم کن داشته باشد؛ حضوری که نه مقطعی و اتفاقی، بلکه به یک «سنت فرهنگی» بدل شده باشد. سینمای ایران اما طی بیش از شش دهه، از «گاو» داریوش مهرجویی تا «طعم گیلاس» عباس کیارستمی، از «فروشنده» اصغر فرهادی تا نخل طلای جعفر پناهی برای «یک تصادف ساده»، توانسته جایگاهی کم‌نظیر در مهم‌ترین جشنواره هنری جهان برای خود تثبیت کند؛ جایگاهی که حالا در کن ۲۰۲۶ نیز با حضور اصغر فرهادی و تازه‌ترین فیلمش «داستان‌های موازی» ادامه پیدا کرده است.

کن برای سینمای ایران هرگز فقط یک جشنواره نبوده؛ نوعی میدان هویت بوده است. جایی که فیلمساز ایرانی نه‌تنها فیلمش، بلکه تصویرش از ایران، از انسان ایرانی و از زیست معاصر این سرزمین را به جهان عرضه کرده است. نخستین حضور رسمی ایران در کن به سال ۱۹۶۱ و فیلم «کوروش کبیر» ساخته مصطفی فرزانه بازمی‌گردد؛ حضوری پراکنده و فردی در دورانی که سینمای ایران هنوز هویت مستقلی برای خود پیدا نکرده بود. اما نقطه عطف واقعی، ده سال بعد و با نمایش «گاو» داریوش مهرجویی در بخش «پانزده روز کارگردانان» رقم خورد؛ فیلمی که نشان داد سینمای ایران می‌تواند بدون تقلید از هالیوود یا سینمای اروپا، از دل واقعیت بومی خود، زبانی جهانی خلق کند.

«گاو» فقط داستان مردی نبود که پس از مرگ گاوش هویتش را از دست می‌دهد؛ فیلمی بود درباره بحران انسان، درباره وابستگی، فقر، تنهایی و فروپاشی. همین جهان‌شمولی در دل جزئیات بومی، بعدها به مهم‌ترین ویژگی سینمای ایران در جهان بدل شد.

عباس کیارستمی و آبروی سینمای ایران

دهه‌های بعد، با ظهور عباس کیارستمی، سینمای ایران وارد مرحله‌ای تازه شد. «خانه دوست کجاست؟»، «کلوزآپ»، «زندگی و دیگر هیچ» و در نهایت «طعم گیلاس» نه فقط نگاه جهانیان به سینمای ایران، بلکه تعریف سینمای هنری جهان را تغییر دادند. نخل طلای کیارستمی در سال ۱۹۹۷ برای «طعم گیلاس»، مهم‌ترین لحظه تاریخ سینمای ایران در کن بود؛ لحظه‌ای که ایران را از یک «سینمای ناشناخته شرقی» به یکی از قطب‌های اصلی سینمای مؤلف جهان تبدیل کرد.

کیارستمی زبان تازه‌ای به جهان معرفی کرد؛ زبانی مبتنی بر سکوت، مکث، سادگی و مشاهده.

سینمای او نه پر از حادثه بود و نه متکی بر درام‌های بزرگ. او از دل ساده‌ترین لحظه‌های زندگی، عمیق‌ترین پرسش‌های فلسفی را استخراج می‌کرد. همین ویژگی، سینمای ایران را برای داوران و منتقدان کن جذاب کرد؛ سینمایی که برخلاف محصولات پرزرق‌وبرق غربی، هنوز به انسان، تردید و زندگی روزمره وفادار مانده بود. پس از کیارستمی، نسل تازه‌ای از فیلمسازان ایرانی راه او را ادامه دادند.

کن برای سینمای ایران هرگز فقط یک جشنواره نبوده؛ نوعی میدان هویت بوده است. جایی که فیلمساز ایرانی نه‌تنها فیلمش، بلکه تصویرش از ایران، از انسان ایرانی و از زیست معاصر این سرزمین را به جهان عرضه کرده است

فرهادی و جایگاه تازه سینمای ایران

ورود فرهادی به کن، آغاز مرحله‌ای تازه برای سینمای ایران بود؛ مرحله‌ای که در آن، سینمای ایران از فضای شاعرانه و روستایی کیارستمی فاصله گرفت و به دل طبقه متوسط شهری رفت. فرهادی راوی تهران مدرن بود؛ راوی آدم‌هایی که در تلاقی اخلاق، دروغ، حقیقت، قضاوت و فروپاشی قرار گرفته‌اند.

«درباره الی» در سال ۲۰۰۹، اولین شوک بزرگ فرهادی به سینمای جهان بود. فیلمی که بحران اعتماد و دروغ را در دل یک سفر ساده دوستانه روایت می‌کرد و نشان داد سینمای ایران می‌تواند بدون اتکا به فقر یا المان‌های شرقی، مخاطب جهانی را درگیر کند. اما «فروشنده» در ۲۰۱۶ اوج این مسیر بود؛ فیلمی که جایزه بهترین فیلمنامه و بهترین بازیگر مرد را برای شهاب حسینی به ارمغان آورد و فرهادی را به یکی از مهم‌ترین فیلمسازان معاصر جهان تبدیل کرد.

اکنون در کن ۲۰۲۶، اصغر فرهادی با «داستان‌های موازی» بار دیگر به مسابقه اصلی بازگشته است؛ فیلمی که در پاریس ساخته شده و بازیگرانی چون ایزابل هوپر، کاترین دنو و ونسان کسل در آن حضور دارند.

این حضور، تنها بازگشت یک فیلمساز موفق به کن نیست؛ نشانه استمرار جایگاه سینمای ایران در مهم‌ترین آوردگاه سینمای جهان است. فرهادی در این سال‌ها ثابت کرده که بیش از هر فیلمساز ایرانی دیگری، راوی زندگی مدرن ماست. او بدون شعار، بدون قهرمان‌سازی و بدون قضاوت مستقیم، انسان معاصر را در پیچیده‌ترین موقعیت‌های اخلاقی قرار می‌دهد. شخصیت‌های او نه کاملاً خوب‌اند و نه کاملاً بد؛ بلکه مثل همه ما، گرفتار تردید، ترس، غرور و اشتباه‌اند. همین انسان‌گرایی بی‌ادعا، سینمای او را جهانی کرده است.

موفقیت سینمای ایران و هویت ملی

اما موفقیت سینمای ایران در کن فقط به استعداد فیلمسازان خلاصه نمی‌شود. بخشی از این موفقیت، حاصل بسترهایی است که فیلمساز ایرانی را به سمت فرصت‌ها سوق داد. چیزی که دقیقاً با ذائقه جشنواره‌ای مثل کن همخوانی داشت.

در کنار آن، نباید فراموش کرد که فرهنگ و ادبیات ایران، پشتوانه عظیمی برای سینمای ایران بوده است. از شعر حافظ و سعدی تا روایت‌های شاهنامه و ادبیات معاصر، سینمای ایران همیشه بر بستری غنی از روایت‌گری بنا شده است. حتی فرهادی، با وجود مدرن‌ترین جهان‌بینی‌اش، همچنان وارث همان سنت قصه‌گویی ایرانی است؛ سنتی که انسان را پیچیده، چندلایه و غیرقابل قضاوت می‌بیند.

سینمای ملی، روایت جهانی

امروز، وقتی به مسیر شصت‌ساله سینمای ایران در کن نگاه می‌کنیم، بیش از هر چیز با یک تداوم روبه‌رو هستیم؛ تداوم نسلی از فیلمسازان که هرکدام زبان نسل خود را پیدا کردند، اما در یک چیز مشترک بودند: تلاش برای تبدیل تجربه ایرانی به روایتی جهانی. کن ۲۰۲۶، با حضور «داستان‌های موازی»، فقط ادامه حضور یک فیلم نیست؛ ادامه یک تاریخ است. تاریخی که از «گاو» آغاز شد، با «طعم گیلاس» جهانی شد و امروز با فرهادی و نسل تازه سینمای ایران، همچنان زیر فلاش دوربین‌های کن ادامه دارد؛ سینمایی که هنوز یکی از مهم‌ترین صداهای انسانی جهان معاصر است.